

Roya

مترجم

Asahi & Sogi

الميتور

Yona

أيلومار

@AOISEKAI

Codename
ANASTASIA



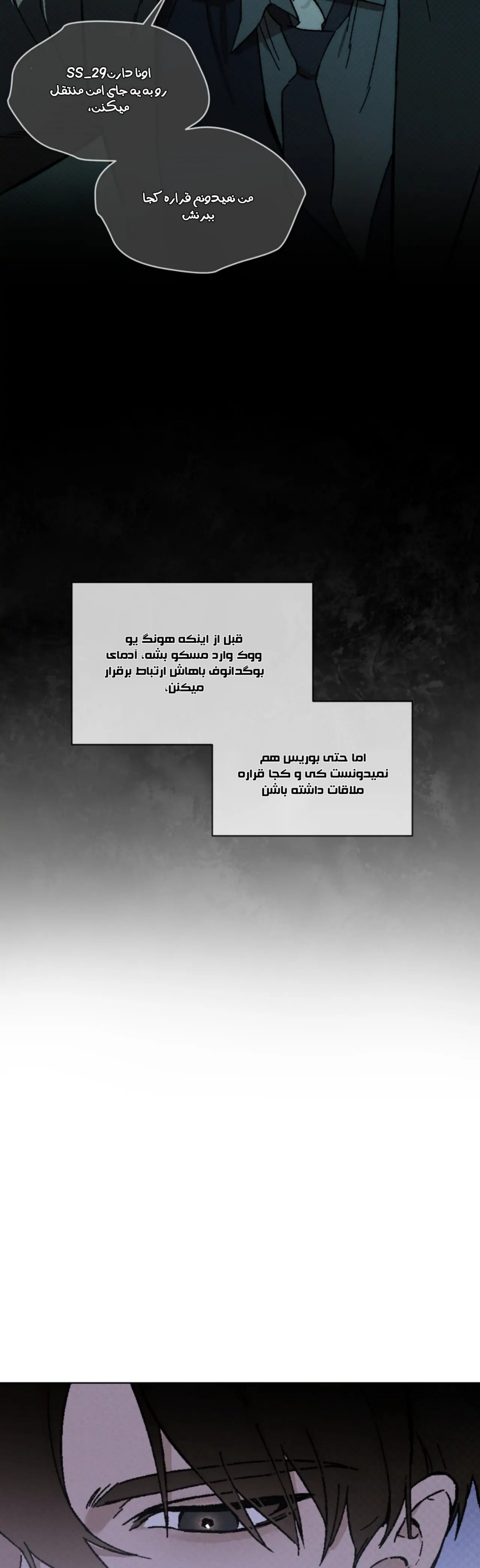
با توجه به
اطلاعاتی که از بوریس
بدست آوردیم،



تکنسین کره‌ی شمال
"هونگ یو ووک" قراره به عنوان
یه توریست چینی وارد کشور
بشه،

گفت که اون
سوار قطار سراسری سیبری
میشه






اونا دارن SS_29
رو به په جای امن منتقل
میکنن،

من نمیدونم قراره کجا
بدرنش


قبل از اینکه هونگ یو
ووک وارد مسکو بشه، آدما
بوگدانوف باهانش ارتباط برقرار
میکنن،

اما حتی بوریس هم
نمیدونست کی و کجا قراره
ملاقات داشته باشن

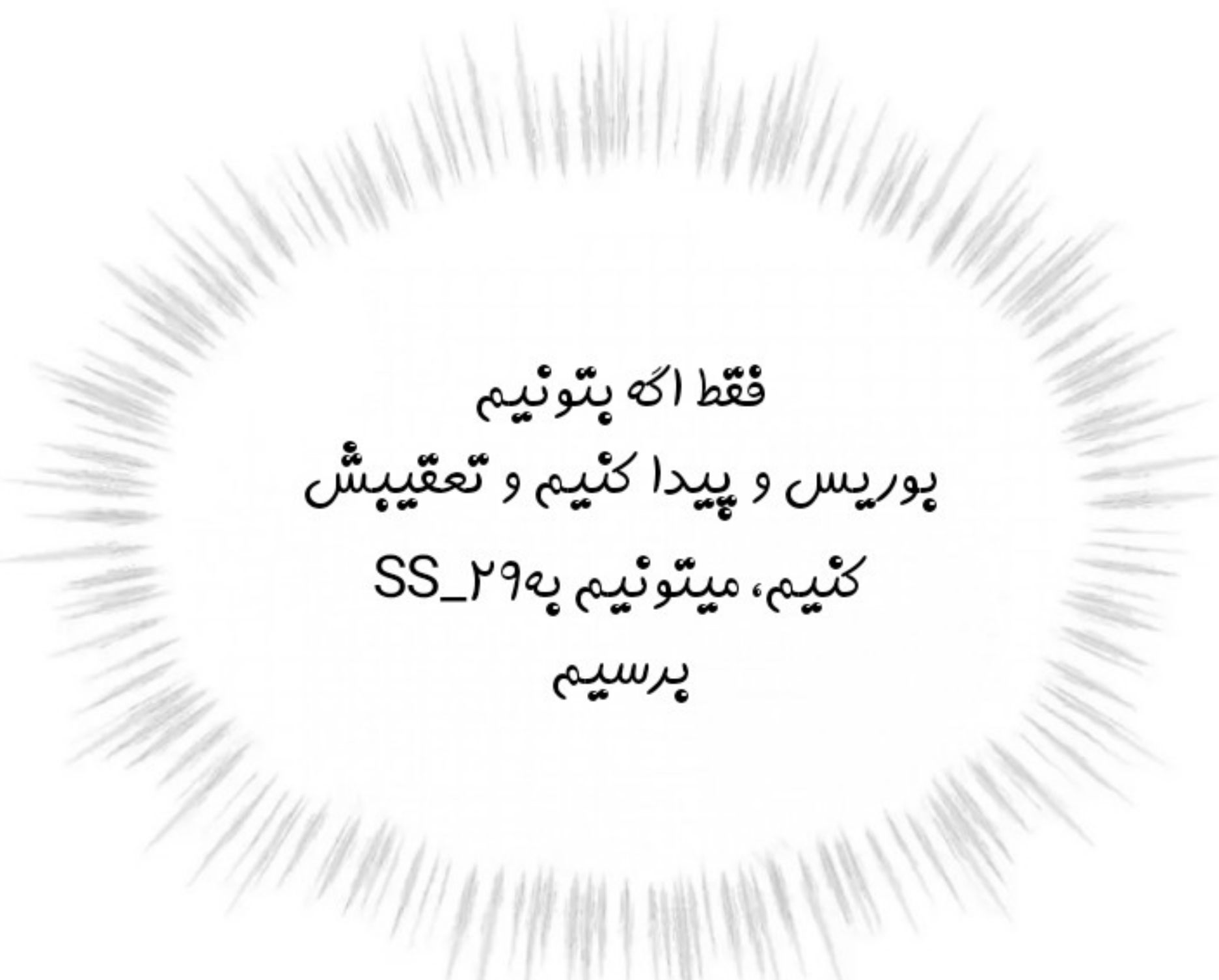




هنوز
ابهامات زیادی وجود
داره،



اما اشکالی نداره،



فقط اگه بتونیم
پوریس و پیدا کنیم و تعقیبش
کنیم، میتونیم به SS_۲۹
برسیم

اسپریمز آناستازیا

چیتز ۲۲
نویسنده: بوی ساسور





هنق...هاااه

SQUEEK

SQUEEK

آه...!!



هنگ...هااه

آهوهه...!!



.....



هوف، آهوهه!!

نادیدشون
بگیر، نادیدشون
بگیر...

اوت پسره روانیه،
من نیاید از دیوونه بازیاش
تعجب کنم

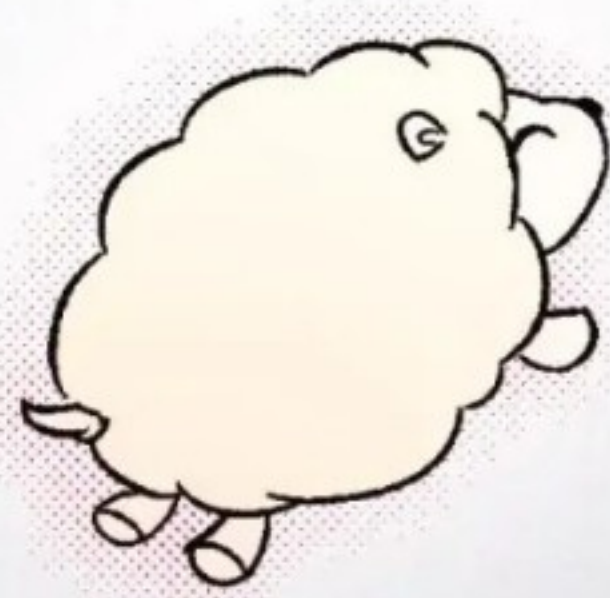


تو کل زندگیم،
هیچوقت بی خوابی رو تجربه
نکرده بودم،

حالا به خاطر
اون حرومزاده نمیتونم
بخوابم



هاه، خیلی خوب
پیا سعی کنیم گوسفندا
رو بشماریم



بدونه گوسفند، دوتا
گوسفند

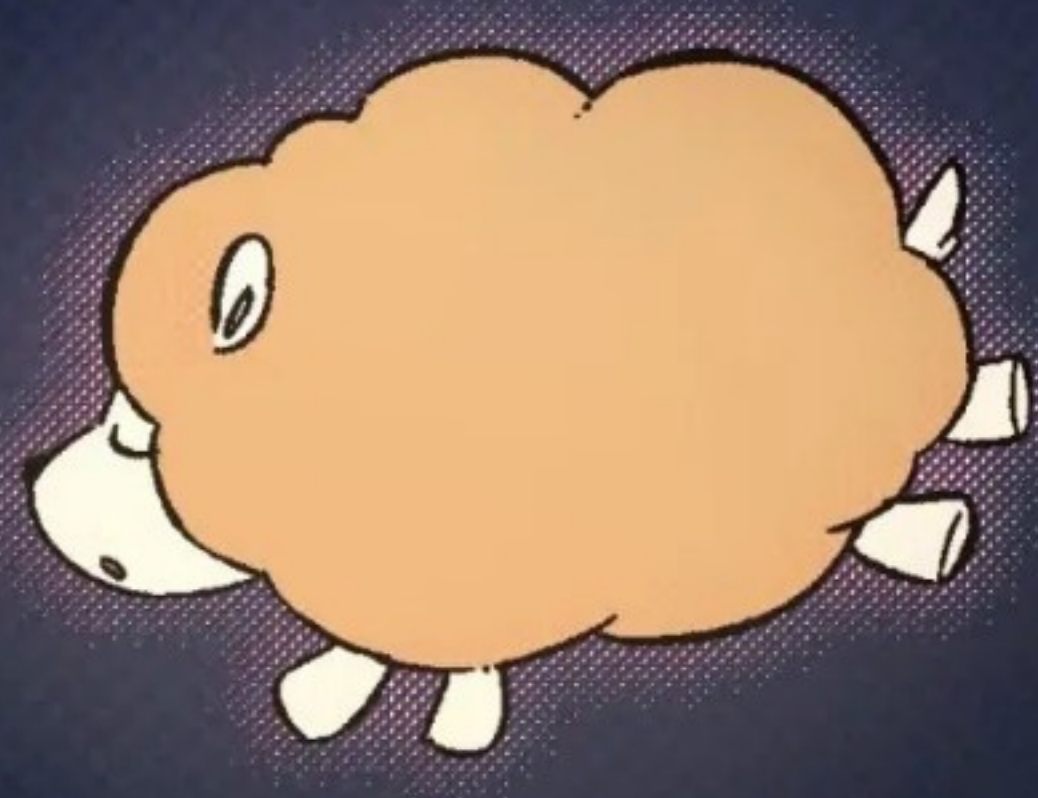


سه تا گوسفند





چهارتا گوسفند



پنج تا گوسفند

هینو آهههههه



گوسفند آههههه





آااا



هنف...!



هنف...!



철떡

اندازه‌ی دسته پيله،
چچجوری اون چپیز حال بهم
زن و پزرگش داخل اون
جا میشه؟



آههه، هااه...

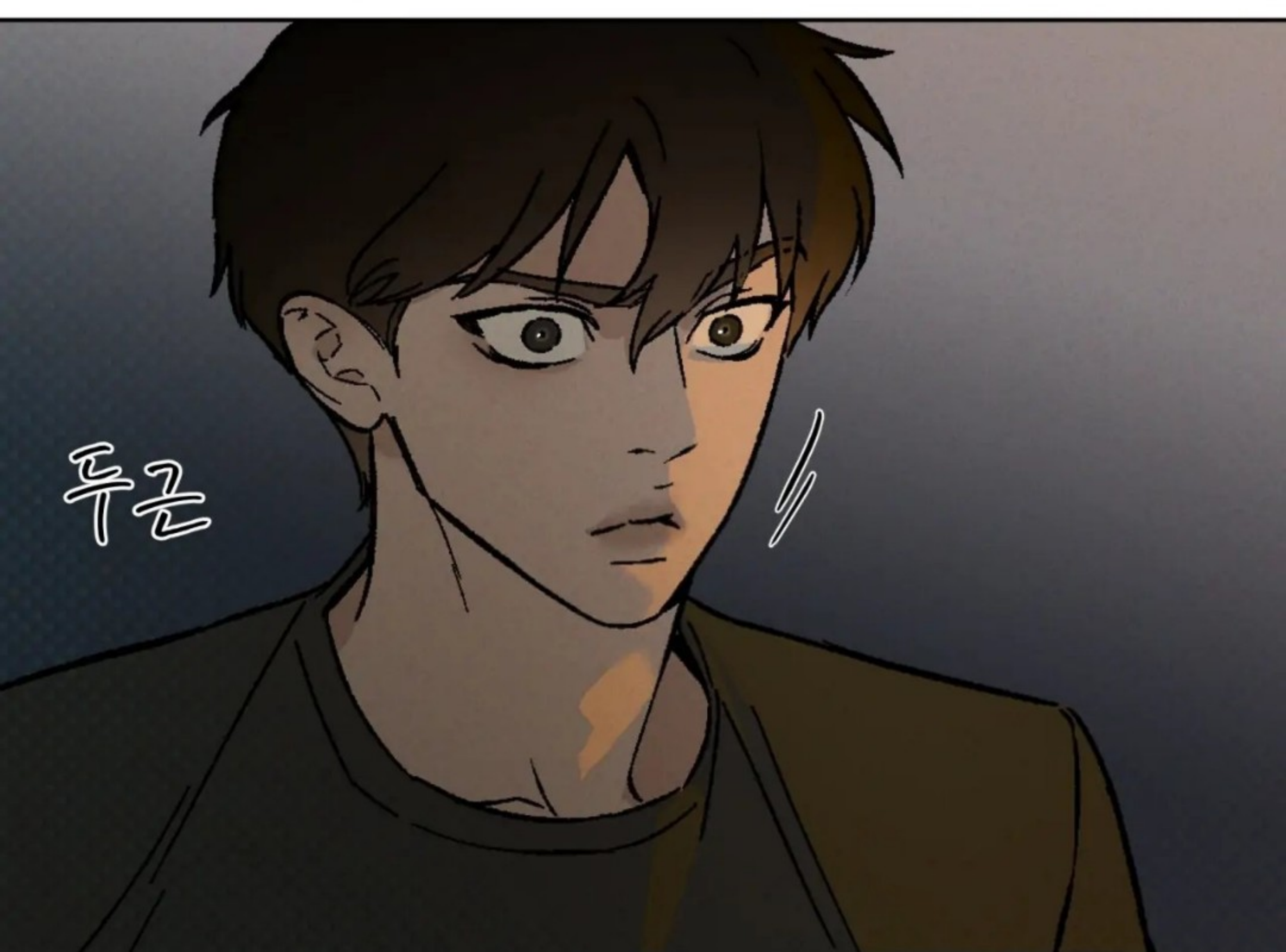
!- این خیلی، ناالاح....!







مردی که
همیشه توی هر موقعیتی
آرومه...



وقتی حشری میشه،
یه همچین حالت چهره ای
داره...؟





چرا پنجره ها رو
باز گذاشتی احمق؟ یخ میزنی
سرما میخوریا





فکر میکنی به خاطر
کیه؟



ها...

من چه میدونستم
میشینی از اول تا آخرش و
نگاه میکنی،

تا جایی که میدونم
مردم معمولا توی همیچین
موقعیتایی جلوی چشاشون
و میگیرن



چرا نگاه نمیکردم؟
اتفاقا پورن زنده و با کیفیت بالا
اونم رایگان داشت پخش میشد،
هه، فکر کن یه درصد از دستش
میدادم!

همم...
البته که کیفیت بالایی
داشت،



تو تعریف کردن
از بقیه خیلی مهارت داری،
میدونستی؟



الان واقعا
این اسکل، تیکه ای که
پهش انداختم و تعریف در
نظر گفت؟



بهترین کار اینه که
نادیدش بگیرم، چون الان
زمان مناسبی واسه بحث
کردن نیست

هونگ یو ووک
تو یکی از اتاقا به
عنوان گردشگر چینی
اقامت داره،





اگه متوجه بشه که
تحت تعقیبه،

شاید ارتباطش
با بوگدانوف و قطع
کنه

توی همچین
موقعیتایی باید همه‌ی
کارا رو با احتیاط انجام
بدیم، ولی این روانی
حرومزاده...






بگذریم،
چه اتفاقی واسه ی بوریس
افتاد؟

گفتی
میسپاری ازش مراقبت
کنن

درسته


احيانا اين
معنیش "میخوام بکشمش"
که نیست، نه؟





یه لحظه به سرم زد
بکشمش

اما بعدش فکر
کردم شاید بعدا به دردمون
بخوره، واسه همینم حبسش
کردم



اگه فرار کنه چی؟

یعنی
داری میگی بکشمش،
نه؟

نیچ نیچ چقدر تو بنی / حمی



نخیر، منظورم
اون نبود، دارم میگم اگه فرار
کنه همه ی برنامه هامون بهم
میخوره

نگرانش
نباش، همچین اتفاقی
نمیوفته

میتونم
بهت اعتماد کنم،
نه؟



آره، تا
وقتی من دستورندم
نمیتونه پاش و از اونجا
بذاره بیرون

هنوزم یکم مرددم،
اما ایندفعه رو پهبش اعتماد
میکنم...



اینچوری
میتونم پیشتر روی
موضوع هونگ یو ووک
تمرکز کنم







뒤적



타닥



سلام مامان ، منم



ببخشید یکم سرم
شلوغ بود، نتونستم بهت زنگ
بزنم

چشم، خوب غذا میخورم

Stare

شما هم
مراقب سلامتی خودت
باش

انگاری داره کره ای
حرف میزنه و... صدای یه
زن میاد؟

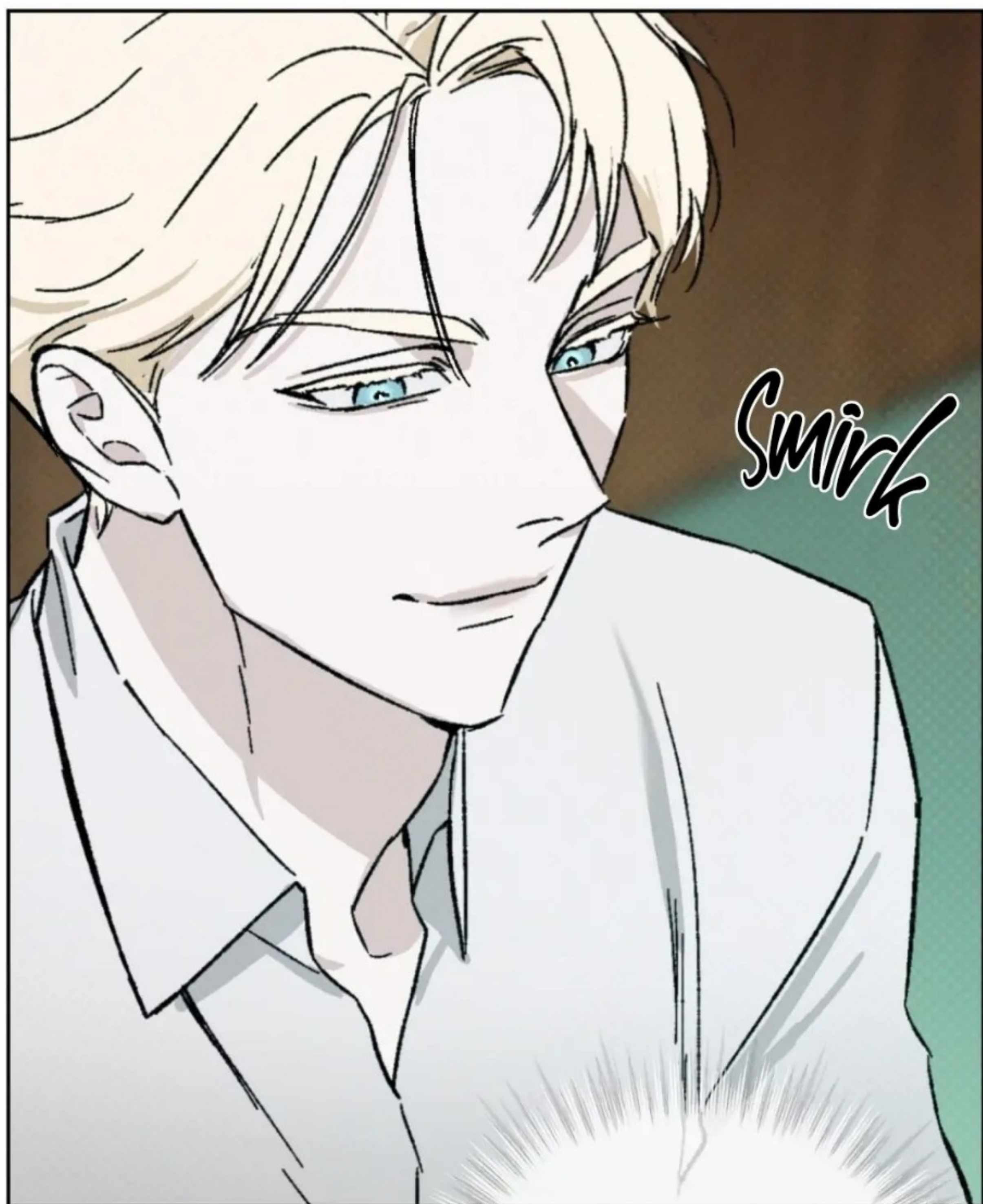
ببخشید اگه
نمیتونم پیام و بینمت،
کارام خیلی زیاده یکم
مشغولم





چون ترنسلیت ژنیا از روسی به اون زبان دیگه ست
آبی: روسی ، سفید: کره ایی

پس دلیل صدای
مهربون این بدعشق خان
این بوده؟

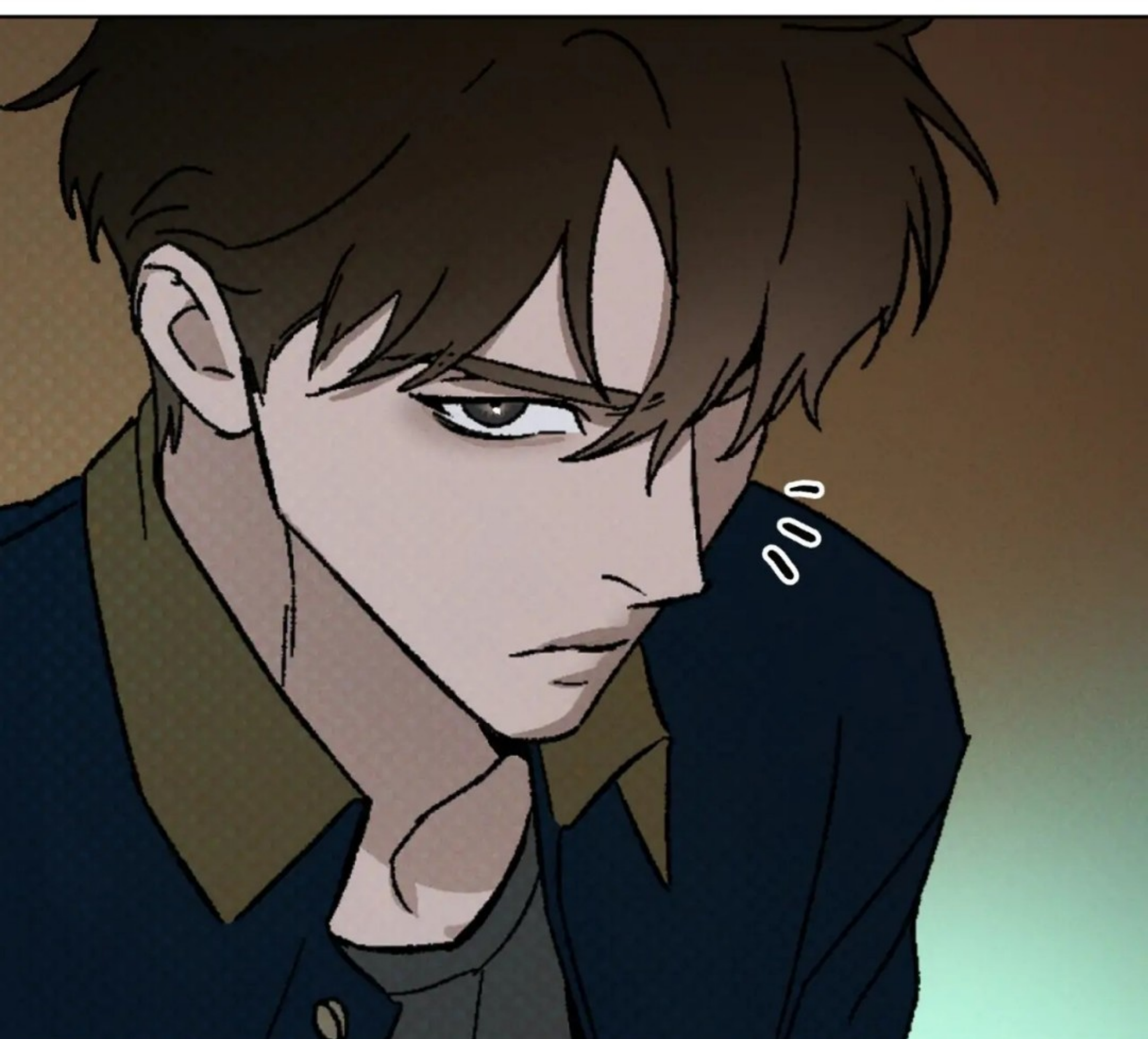


فکر کردم چه زن
دیگه ست، ولی داره پامانش
حرف میزنه



۳۶
۱۱...

همیشه دلم
میخواست بدونم بچه ننه‌ها
چه شکلین، الان یدونشون
جلو رومه



۰۰۰

چرا وقتی
هیچی نمیدونی، چرت و پرت
میگی؟



هاه، عصبانی شدی
چون حرف حق شنیدی،
هوم؟

ترجیح میدم
همون بچه ننه‌ای که میگی باشم،
اینطوری یکم بار سنگینی که رو
قلبمه کمتر میشه





نصفه
حرف نزن ، بگو بقیشو
میشنوم

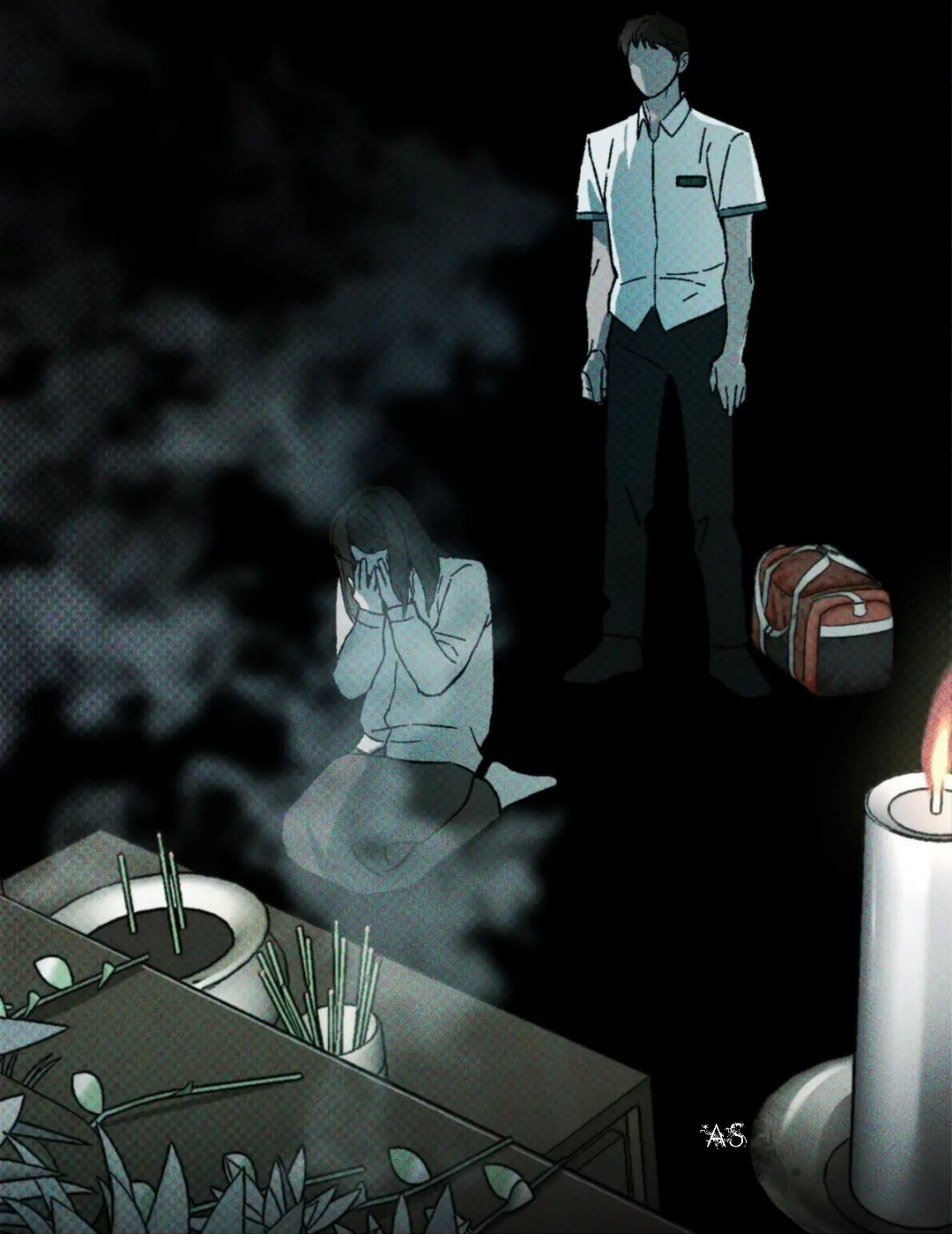
"تنها پسری که زنده مونده"



تو چه
میدونی که این یعنی
چی؟

اضطراب، استرس،
ناراحتی... واسه ی کسانی که
رفتن و تو رو پشت سرشون
گذاشتن...

بار مراقبت
کردن از خانواده ای که افتاده
رو دوش تو، به دوش کشیدن
خاطرات مرده ها...



میدونم که مامانم
نگران میشه، واسه همینم راستش
و بهش نمیگم

ترجیح میدم وانمود
کنم که خوشحالم و هیچ مشکلی

ندارم

اگه
میدونست کجام و چیکار
میکنم

مطمئنا از ترس سکنه
میگرد

털썩

اون هنوز
فکر میکنه من تو یه
اداره ی دولتی کار
میکنم و...

چرا حرفت و قطع
کردی؟

بیخیال، بقیش مهم
نیست

کلی وقت
داریم واسه حرف
زدنا



از شنیدن داستانی
خانوادگی حوصلت سر
نمیره؟ من چندتا کتاب
با خودم آوردم

یکی میخوای؟





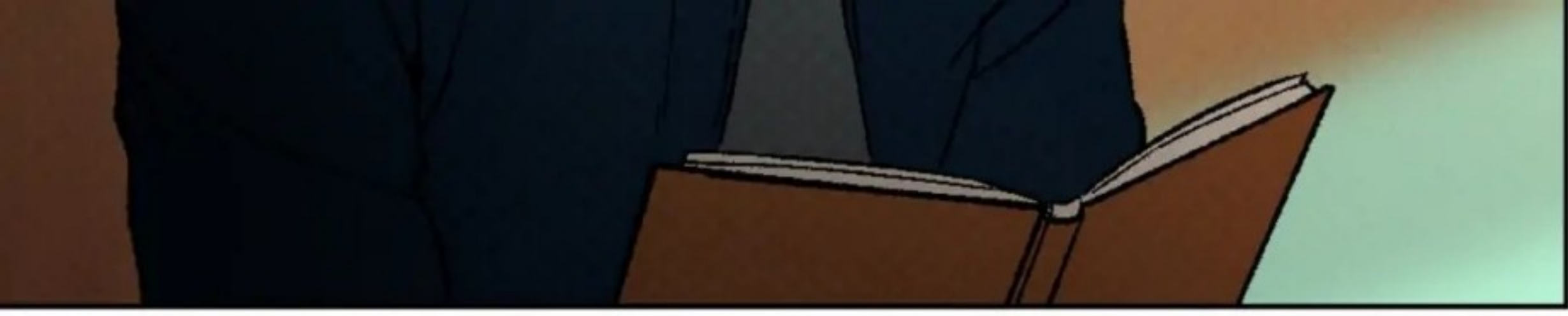
نه ممنونم ازت، علاقه‌ای
به اینکه فقط طرف مقابل حرف
بزنه ندارم، واسه همینم از کتاب
خوندن خوشم نمیاد

اگه حوصلم
سر بره، ترجیح میدم یه
دختر بیارم

77/67

چای تعجبیم نیست





مثلا همکارمه، ولی
حتی به خودش زحمت نمیده
بهم بگه کجا میره یا میخواه
چیکار کنه...





ادامه دارد...

سلام
این فایل که هم‌اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

آنوی سکی

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آنوی سکی فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی رویکا، سرش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام رسان‌های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/aoisekai)